



سبک و سیره امام رضا (علیه السلام)

در تربیت اخلاقی افراد جامعه

دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۰

عنایت شریفی^۱

چکیده

شیوه تربیتی امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) یکی از ابعاد سبک زندگی آن حضرت است. این پژوهش در صدد است با روش توصیفی تحلیلی، سبک تربیتی اختصاصی امام رضا (علیه السلام) را در تربیت اخلاقی افراد جامعه بررسی کند و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که سبک و سیره امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه چگونه بوده و از چه روش‌هایی در تربیت اخلاقی افراد جامعه استفاده کرده است؟ از نظر نگارنده، آموزش باورها و جهان‌بینی، رویارویی با فرقه‌های انحرافی و نهضت ترجمه، آشنا کردن متریبان با آموزه‌های اخلاقی، ایجاد فضای مساعد تربیتی در جامعه از مهم‌ترین روش‌های تربیتی شناختی امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه است. پذیرش ولایت‌عهدی، سفر به مراکز علمی، مناظره‌ها، موعظه، تشویق و تنبیه، امر به معروف و نهی از منکر، مراقبت و نظارت و پرهیز از معاشرت متریبان با صاحب‌زادیل اخلاقی از مهم‌ترین روش‌های رفتاری امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، روش‌های تربیت اخلاقی، سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام)، جامعه.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی: enayat.sharifi@yahoo.com

۱. مقدمه

سبک زندگی در شکل نوین، اولین بار سال ۱۹۲۹ میلادی توسط «آلفرد آدلر» در روان‌شناسی در ابداع شد؛ ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداختند. تعاریف مختلفی از سوی محققان بر اساس بینش و نگرش خاص خود ارائه دادند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید می‌کنند و روان‌شناسان، بیشتر به بعد فردی و شخصیتی می‌پردازند؛ ولی به نظر می‌رسد این تعاریف تک بعدی بوده و فقط به یکی از ابعاد زندگی انسان‌ها توجه داشته و به بینش‌ها و امور اعتقادی که پشتوانه زندگی هستند توجهی نکرده‌اند. بر این اساس، می‌توان سبک زندگی اسلامی را این‌گونه تعریف کرد:

سبک زندگی شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد. طبق این تعریف، سبک زندگی اسلامی دارای قلمرو وسیعی است که تمامی ابعاد زندگی فردی، خانوادگی، تربیتی و اجتماعی را فرا می‌گیرد. دربارهٔ رابطهٔ سبک و سیره به نظر می‌رسد که در نگاه اول، سبک به معنای سیره است؛ ولی با نگاه دقیق در کاربرد این دو مفهوم بین سبک و سیره تفاوت معنایی وجود دارد. سبک واژه عام است که به معنای روش و الگوی رفتار و طرز تفکر است؛ ولی سیره، واژهٔ خاص است به معنای رفتار و حالت و در اصطلاح دینی به رفتار و گفتار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام اطلاق می‌گردد و آنچه در این نوشتار از سیره مد نظر است، ذکر خاص بعد از عام است که به دلیل اهمیت بعد از عام قرار گرفته است.

بر این اساس، منظور از سبک و سیرهٔ تربیتی امام رضا علیه‌السلام روش‌ها و شیوه‌هایی از آن حضرت است که با تکیه بر مبانی اعتقادی و نظام ارزشی اسلام توانسته است استعداد‌های نهفتهٔ افراد جامعه در تمام ابعاد موجود را هماهنگ پرورش دهد و شکوفا سازد و برای تثبیت فضایل اخلاقی و از بین بردن رذایل اخلاقی حرکت دهد.

امام رضا علیه‌السلام با توجه به مقتضیات زمان افزون بر روش‌های عام تربیتی که سایر

پیشوایان و مربیان در تربیت اخلاقی افراد جامعه استفاده می‌کنند، روش‌هایی را در سبک و سیره تربیتی خود استفاده کرد که می‌توان این روش‌ها را به روش‌های شناختی و رفتاری تقسیم‌بندی کرد. این پژوهش در صدد است با روش توصیفی تحلیلی درباره سبک و سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. روش‌های شناختی در سبک و سیره امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه کدام‌اند؟

۲. روش‌های رفتاری در سبک و سیره امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه کدام‌اند؟

درباره پیشینه این تحقیق تاکنون اندیشمندان علوم اسلامی به دلیل اهمیت بسیار زیاد تلاش‌های فراوانی کرده‌اند و آثار فراوانی را به نگارش درآورده‌اند. از جمله کتاب سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا (علیه السلام) (پورامینی، ۱۳۹۳)، سیره اخلاقی و سیاسی امام رضا (علیه السلام) در سبک زندگی اسلامی (سلیمان گلی، ۱۳۹۷)، نگرشی بر سبک زندگی از منظر امام رضا (علیه السلام) (حسین زاده، ۱۳۹۷) و مقاله دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی برگرفته از قول و سیره رضوی (عصاره نژاد دزفولی و فرخی، ۱۳۹۹)، نویسندگان در این مقاله به دلالت‌های تربیتی مانند جهت‌دهی به استعدادها و گرایش‌های متربی در فرایند تربیت، سیاست‌گذاری در برابر الگوهای اخلاقی و رفتاری متربی، تأثیر متقابل علم و عمل در سیاست‌گذاری تربیتی و... پرداخته است. مقاله روش‌های تربیتی فرهنگ‌سازی اقامه نماز در سیره رضوی (سبحانی یامجی، ۱۳۹۸)، نویسنده در این مقاله روش‌های نهاده‌سازي نماز در جامعه را بررسی کرده است. مقال بازشناسی آموزه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) و کاربست آن در عصر حاضر (میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۹۶)، نویسندگان در این مقاله، کاربست‌های تربیت اخلاقی، تربیت اعتقادی، تربیت عاطفی و تربیت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است و مقاله سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام) در تربیت کودکان (شریفی و لطفی قادیکلای، ۱۳۹۶) در این مقاله به روش‌های تربیت کودکان در سیره امام رضا (علیه السلام) در قبل و بعد از تولد پرداخته شده است. مقاله اصول و روش‌های تربیت با نگرش به اراده و اختیار انسان در سیره رضوی (زین آبادی و عدلی، ۱۳۹۶)، مقاله روش‌های تربیتی اخلاق در سیره امام رضا (علیه السلام) (نجفی و همکاران، ۱۳۹۳). مقاله تربیت عقلانی بر مبنای سخنان

امام رضا (علیه السلام) بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲). با تأمل در پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام) این نکته مشهود است که عمدتاً به روش‌های عام تربیتی امام (علیه السلام) پرداخته‌اند که اختصاص به امام رضا (علیه السلام) ندارد و برای تمامی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) و مربیان کاربرد دارد؛ ولی به نظر می‌رسد این مقاله اولین اثری است که با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر امام (علیه السلام)، روش‌های بنیادی و اختصاصی امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه را در ابعاد معرفتی و رفتاری مورد توجه قرار داده است. نگارنده در این مقاله نخست مبانی اخلاق یعنی آموزش باورها و جهان‌بینی و مواجهه با فرقه‌های انحرافی را بررسی کرده و پس از آن به روش‌های رفتاری مبتنی بر باورها و جهان‌بینی پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تربیت اخلاقی

درباره تربیت اخلاقی هر چند تعریف‌های مختلفی از سوی عالمان مسلمان ارائه شده است؛ ولی به نظر می‌رسد که تربیت اخلاقی عبارت است از چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی برای توسعه و تثبیت رفتارهای پسندیده اخلاقی به منظور رسیدن به کمالات اخلاقی و دوری و از بین بردن رذایل اخلاقی.

۲-۲. جامعه

«جامعه» در لغت به معنای علاقه، بستگی، ارتباط (جر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۷۱۴) گرد آورنده، توده مردم (عمید، ۱۳۹۰: ۳۹۲) و در اصطلاح عبارت است از مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۳۱).

۲-۳. سیره

کلمه «سیره» اسم مصدر از ماده سیر و بر وزن فعله است که در زبان عربی بر نوع دلالت می‌کند. برای مثال «جلسه» به معنای نشستن، ولی «جلسه» به معنای سبک و نوع نشستن است؛ بنابراین «سیر» یعنی رفتار ولی «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۲: ۴۹۴) و در اصطلاح به معنای استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری یا ترک عملی (همان).

۳. روش‌های شناختی امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه

منظور از روش‌های شناختی، روش‌هایی است که امام (علیه السلام) می‌خواهد آگاهی‌ها و اطلاعات لازم برای مسائل اخلاقی به متریبان بدهد تا آنان با آگاهی و شناخت بیشتری ردای اخلاقی را ترک و به فضایل اخلاقی گرایش پیدا کنند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت است:

۳-۱. آموزش باورها و جهان‌بینی اسلامی به عنوان بنیان‌های اخلاق و تربیت اخلاقی

اخلاق و تربیت اخلاقی زمانی در جامعه پایدار خواهد بود که بنیان‌های آن در روح و جان متریبی ریشه دوانیده باشد؛ در غیر این صورت ارزش‌های اخلاقی و آموزش آن‌ها در متریبان سطحی و ناپایدار خواهد بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین بنیان‌های اخلاق و تربیت اخلاقی، توحید و خداباوری، معادباوری و اعتقاد با رسالت و امامت باشد که با آموزش و تقویت آن‌ها، میزان پایبندی افراد به فضایل اخلاقی و دوری از ردای اخلاقی بیشتر خواهد بود. به همین دلیل امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، اهمیت زیادی به آموزش بنیان‌های اخلاق و تربیت اخلاقی قائل بودند، کوشش می‌کردند که در فرصت‌های مقتضی باورها و جهان‌بینی اسلامی به ویژه توحید و یکتاپرستی را که زیربنای اخلاق و تربیت اخلاقی اسلامی است به متریبان افراد جامعه آموزش دهند. حضرت تلاش می‌کرد مسئله توحید را با استدلال و با استفاده از مبادی عقلی و فلسفی برای افراد جامعه اثبات کند (ر.ک: ابن

بابویه، ۱۳۸۸: ۴۵۰ به بعد). در این جا برای اختصار به یک نمونه اشاره می‌شود: بزنبلی نقل می‌کند: مردی از ماوراء النهر بلخ خدمت امام رضا (علیه السلام) آمد و گفت از شما سؤالی دارم اگر جواب دهید به امامت‌تان معتقد خواهم شد، حضرت فرمود: از هر چه می‌خواهی بپرس. گفت: مرا از خدایت خبر بده، در کجا بوده و چطور بوده و بر چه چیز تکیه کرده است؟

حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ آيَنَ الْآيِنِ بِلَا أَيْنٍ وَ كَيْفَ الْكَيْفِ بِلَا كَيْفٍ وَ كَانِ اعْتِمَادُهُ عَلَي قُدْرَتِهِ؛ خداوند به وجود آوردنده مکان است بی آنکه مکانی داشته باشد و به وجود آورنده کیفیت است بی آنکه کیفیتی داشته باشد و اعتمادش بر قدرتش باشد، (خدا لامکان است، مکان از عوارض جسم است، خدا جسم نیست، کیفیت، مخلوق خداست، لازمه‌اش محدود بودن است، خدا بی انتهاست، خدا بر قدرت خود ایستاده، هستی را از جایی دریافت نکرده است).

آن مرد چون این جواب را شنید، برخاست، سر مبارک امام (علیه السلام) را بوسید و گفت:

«أشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و ان علياً وصي رسول الله والقيّم بعده بما أقام به رسول الله و أنكم الائمة الصادقون و أنك الخلف بعدهم» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۸).

ظاهراً آن مرد از فلاسفه بوده و از جواب امام (علیه السلام) پی به دانایی و امامت آن حضرت برده است. بدین سان امام به وی کمک کرد تا شناخت و معرفت را در قلبش زنده گرداند و مسلمان شود. دربارهٔ باور به معاد و قیامت احادیث فراوانی از امام (علیه السلام) وارد شده است که برای اختصار به مناظره امام (علیه السلام) با یکی از منکران معاد به اختصار اشاره می‌گردد:

یکی از منکران معاد، برای مناظره نزد امام رضا (علیه السلام) آمد؛ گروهی در محضر آن حضرت بودند پس از بحث و گفت‌وگوی بسیار حضرت به او فرمود: شما معتقدید روز رستاخیزی در کار نیست و سرنوشت انسان با مرگ برای همیشه خاتمه یافته و نابود می‌شود و کیفر و پاداشی در رابطه با اعمال نیک و بد وجود ندارد؛ اگر حق با شما باشد که چنین نیست، در این صورت ما و شما یکسان و برابریم و نماز و روزه، عقیده و ایمان ما به ما ضرر و زبانی

نمی‌رساند؛ ولی اگر حق با ما باشد که چنین است، در این صورت ما رستگار و سعادتمند می‌شویم؛ اما شما زیانکار شده، هلاک خواهید شد. آن مرد ملحد و منکر خدا پس از این گفت‌وگو مسلمان شد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۷۳).

نیز درباره اثبات رسالت و نبوت سخنان فروانی از امام (علیه السلام) وارد شده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۳۰) که مشهورترین آن‌ها حدیث سلسله الذهب است. آن حضرت در این حدیث با بیان سلسله سند روایت که متضمن نام بردن پدران و اجداد خود بود، مسئله توحید و ولایت را حکیمانه با هم پیوند می‌دهد و آن را به عنوان زیر بنای اخلاق و تربیت اخلاقی که به منزله نجات از عذاب الهی است، معرفی می‌کند.

۲-۳. مواجهه با فرقه‌های انحرافی

به نظر می‌رسد یکی از موانع تربیت و هدایت افراد جامعه، وجود افکار و اندیشه‌های انحرافی باشد که هرکدام از آن‌ها در صدد ترویج و اندیشه‌های مسموم و غلط خود به افراد جامعه هستند و انتظار دارند که افراد جامعه، رفتارها، ارزش‌ها و اخلاق و اخلاقیات را بر اساس باورها و اندیشه‌های انحرافی آنان تنظیم کنند. عصر امام رضا (علیه السلام) در واقع چنین بود. فرقه‌های انحرافی چون واقفیه، زیدیه، مضافیه، مجبره، معتزله، خوارج و نهضت ترجمه با رویکردهای گوناگون مشغول فعالیت بودند و برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های غلط خود می‌کوشیدند و مشکلات اساسی در تربیت و هدایت افراد جامعه ایجاد کرده می‌کردند. امام (علیه السلام) با روش‌های مختلف همانند مواجهه مستقیم از طریق مناظره‌ها، مکتوبات حدیثی (مکاتبات، پیام‌ها و پاسخ نامه‌ها و سؤالات)، پرورش نخبگان و افراد مورد اعتمادی چون یونس بن عبدالرحمان و حسین بن سعید اهوازی، فضل بن شاذان، زکریا بن آدم و... و تغییر رویکرد از نقلی به عقلی و فلسفی و کاربرد مبادی عقلی در احادیث و مناظره‌ها توانست با افکار و اندیشه‌های انحرافی مقابله کند تا راه را برای اصلاح و تربیت افراد جامعه هموار سازد.

در برابر جبرگرایی به دلیل عقیده‌های فاسدشان و انفعال در قبال ظلم و سازش با ظالم و تن دادن به زندگی با ذلت جبریه موضع سر سخت می‌گرفت و می‌فرمود: «کسانی که جبری هستند به آن‌ها زکات و صدقات ندهید و شهادتش را نپذیرید» (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۳۶۲). در کلامی دیگر می‌فرماید: هر کس قائل به جبر و تشبیه باشد (مشبهه) کافر و مشرک است ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم (همان: ۳۶۴).

واقفیه فرقه‌ای انحرافی بودند که شهادت امام کاظم علیه السلام را نپذیرفتند و منکر امامت امام رضا علیه السلام شدند. حضرت با فرقه واقفیه برخورد شدید داشتند و در موارد متعددی آن‌ها را ملعون، زندیق، مشرک و کافر خواندند و مردم را به شدت از همنشینی و مصاحبت با این گروه برحذر داشتند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۳).

غلات، فرقه‌هایی از شیعه هستند که درباره ائمه خود گزاره‌گویی کردند و قائل به خدایی ایشان یا حلول جوهر نورانی الهی در ائمه و پیروان‌شان شدند. در زمان امام رضا علیه السلام گروهی از غلات درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از حد خارج می‌شدند و آنان را بالاتر و فراتر از حق و مقام خود تصور می‌کردند؛ چنانکه یونس بن ظبیان از پیروان ابوالخطاب (بنیان‌گذار فرقه غالی خطاییه) قائل به الوهیت امام رضا علیه السلام بود و چون این سخن و اعتقاد او به اطلاع امام علیه السلام رسید، بسیار خشمگین شد و او را نفرین کرد (طوسی، ۱۳۸۴: ۳۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۲۶۴).

برخی غلات نیز ائمه علیهم السلام را انسان‌هایی فوق بشری و غیر طبیعی می‌دانستند که خداوند کار جهان، اعم از خلق و رزق را به آنان تفویض کرده است و آنان را به این سبب، مفوضه نامیده‌اند (نویختی، ۱۳۵۵: ۸۴). برخی مفوضه نیز ائمه علیهم السلام را پیامبرانی می‌دانستند که بر آنان وحی نازل می‌شود، لکن امام رضا علیه السلام در سخنان خود، چنین اعتقاداتی را قاطعانه نفی کرد (ر.ک: ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴: ۳۴۸).

امام رضا علیه السلام همچون پدران خود، با اندیشه غلو سخت مبارزه کرد و از غلات بیزار می‌گشت تا جامعه شیعه به سبب عقاید باطل آنان، آسیب نبیند و چهره تشیع خدشه‌دار نشود.

۳-۳. مواجهه با نهضت ترجمه

نهضت ترجمه هر چند از زمان امویان شروع شد؛ ولی در عصر عباسیان به ویژه در زمان هارون و مأمون به اوج خود رسید. در این دوره بود که مترجمان متعصب و سرسخت از مذاهب دیگر مانند زردتشتی، صائبی برهمن‌های هندو و رومیان با ترجمه آثار بیگانگان در صدد نشر افکار مسموم خود و القای آن به جوانان و افراد ساده دل در جامعه اسلامی بودند.

به نظر می‌رسد با مروری بر احادیث، سخنان و سیره امام رضا (علیه السلام) در می‌یابیم که حضرت اولین امامی است که به مقتضای زمان در مواجهه با معتزله و نهضت ترجمه، در بیان مسائل دینی از نقل به عقلی و مبادی عقلی تغییر رویکرد داده و مسائل و موضوعات دینی را با رویکردی عقلی بیان کرده و معیار شناخت را عقل قرار داده است، نه حس و نقل بدون درایت، چنانکه در برتری عقل بر حواس می‌فرماید: «و اعلم أن ما أوجدتك الحواس فهو معنى مدرک للحواس و کل حاسة تدل علی ما جعل الله عز و جل لها فی إدراکها و الفهم من القلب بجميع ذلك كله» (عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۹۰)؛ بدان که آنچه را حواس تو در می‌یابد، همان معنایی است که برای حواس درک کردنی است و هر حسی نشان از آن چیزی دارد که خداوند بزرگ در حیطه درک آن قرار داده است؛ ولی اگر فهم به وسیله قلب باشد، همه فهمیدنی‌ها را در بر می‌گیرد. وی در نقل و فهم احادیث، همگان را از بسندگی به نقل و روایت عاری از درایت نهی کرده است چنانکه می‌فرماید: «کونوا دُرّة ولا تكونوا رواة؛ حدیث تعرفون فقهه خیر من الف تروونه» (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۴۷)؛ اهل فهم حدیث باشید نه فقط روایتگر آن؛ حدیثی که با فقه و درایت آن آشنا باشید از هزار حدیثی که آن را بدون درایت روایت می‌کنید بهتر است. در مناظره‌ها نیز با پیروان فرق و مذاهب و مخالفان گوناگون با استدلال‌های عقلی و برخورد‌های منطقی، توانست بسیاری از منحرفان و گمراهان را هدایت و دشمنانی چون خوارج را رام کند (ر.ک: راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۲۴۵).

۴-۳. آشنا کردن متریبان با آموزه‌های اخلاقی

امام رضا علیه السلام در تربیت اخلاقی افراد جامعه به آشنا کردن متریبان با آموزه‌های اخلاقی اهتمام ویژه‌ای داشتند و این مسئله در سبک تربیتی حضرت گاهی در تعریف مفاهیم اخلاقی، آثار و پیامدهای آن‌ها بود؛ چنانکه در نامه‌ای به عبدالعظیم حسنی علیه السلام که در آن زمان در ری زندگی می‌کرد در نامه‌ای به شیعیان سفارش می‌کند که نسبت به یکدیگر صادق و امانتدار باشند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند و به دیدن یکدیگر بروند. آبروی یکدیگر را نریزند و یکدیگر را تخریب نکنند. وی در ادامه نامه می‌نویسد: خدا شیعیان را می‌بخشد جز سه گروه؛ شیعه‌ای که مشرک شود، یا اینکه یکی از شیعیان ما را برنجانند یا اینکه در دلش بدخواه و کینه‌ای داشته باشد» (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۴۱).

و گاهی نیز در قالب بیان داستان‌های اخلاقی بود چنانکه در داستانی دربارهٔ همنشین بد در خطاب به یکی از شاگردانش که با افراد بد همنشین بود، می‌فرماید: «... آیا به این داستان آگاهی نداری که شخصی از یاران حضرت موسی علیه السلام بود، ولی پدرش از یاران فرعون بود، هنگامی که سپاه فرعون به سپاه موسی رسید، او نزد پدر رفت تا او را موعظه کند و به سپاه موسی ملحق سازد؛ ولی پدر سخن او را رد می‌کرد، همچنان با هم ستیز می‌کردند که ناگهان بلای غرق شدن فرعونیان فرا رسید و آن پسر نیز همراه پدر غرق شد. وقتی این خبر به موسی علیه السلام رسید، موسی گفت: «او در رحمت خداست، ولی چون عذاب فرود آید، از آن کس که نزدیک گنهکار است دفاعی نشود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۳۷۴-۳۷۵).

۵-۳. ایجاد فضای مساعد تربیتی در جامعه

محیط مساعد تربیتی برای تربیت همه جانبه لازم است. اگر جامعه اصلاح نشود، تلاش مریبان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. جامعه فاسد، افراد را به فساد می‌کشاند یک نسل مطهر، نیازمند یک فضای سالم است تا بتواند در آن رشد کند. امام رضا علیه السلام در زمان خود با وجود حکامی چون مأمون، در سبک تربیتی خود تلاش کرد با رفتار و گفتار خود، چنین فضایی را

در جامعه برای نشر فرهنگ اسلام و گسترش فضایل اخلاقی به وجود آورد. آموزش و ترویج فرایض الهی از راه‌های تعالی و رشد معنویت و تثبیت فضایل اخلاقی در جامعه است. مهم‌ترین آن‌ها فریضه الهی نماز است. بنا بر فرموده قرآن کریم، «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵)؛ نماز بازدارنده از فحشا و منکرات است. امام رضا (علیه السلام) در سبک تربیتی خود تلاش می‌کرد با گفتار و رفتار خویش فرهنگ نماز خوانی را گسترش دهد:

از منظر امام رضا (علیه السلام) هیچ عملی برتر و ارزشمندتر از نماز نیست، چرا که بهترین و برترین راه برای رسیدن به قرب الهی است. امام رضا (علیه السلام) همواره می‌فرمود: «الصَّلَاةُ قَرِيبَانِ كُلِّ تَقِيٍّ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۰)؛ نماز هر انسان پارسایی را به خداوند نزدیک می‌کند. به همین دلیل آن حضرت به ابراهیم بن موسی فرمود: «لَا تَوَخَّرَنَّ الصَّلَاةَ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَىٰ آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ عَلَيْكَ، اِبْدَأْ بِأَوَّلِ الْوَقْتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۴۹)؛ انجام نماز را بدون علت از اول وقت آن تأخیر نینداز. همیشه در اول وقت آن شروع کن!

امام (علیه السلام) خود نیز چنین بود و به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی‌داد حتی در مهم‌ترین جلسات سیاسی و علمی به نماز اول وقت اهمیت می‌داد. روایت زیر نشانگر این واقعیت است:

«روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان زیادی بین امام (علیه السلام) و حاضران رد و بدل می‌شد، جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام (علیه السلام) فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می‌شود شاید اگر سخنانتان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند نماز می‌خوانیم و برمی‌گردیم. امام برخاستند و نماز خواندند» (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۴۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۷۳).

با توجه به این روایت که در کتاب‌های معتبر روایی و تاریخی آمده است، حضرت برای اقامه نماز در اول وقت هیچ‌گونه عذری را برای افراد عادی و مسئولین حکومت اسلامی باقی نمی‌گذارد و پیروان آن حضرت نباید از این حقیقت چشم‌پوشی کنند و به بهانه‌های مختلف آن را سهل بشمارند.

۴. روش‌های رفتاری امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه

روش‌های رفتاری، روش‌هایی است که مستقیم با رفتار متربی سر و کار دارد و مربی می‌خواهد با استفاده از این روش‌ها، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در وی ایجاد و تثبیت کند. امام رضا (علیه السلام) با استفاده از این روش‌ها توانست به تربیت اخلاقی متربیان بپردازد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۴-۱. پذیرش ولایت‌عهدی

یکی از مهم‌ترین فصل‌زندگی پر برکت امام رضا (علیه السلام) جریان ولایت‌عهدی آن حضرت است. از مهم‌ترین دلایل واگذاری ولایت‌عهدی به امام رضا (علیه السلام) از سوی مأمون عباسی، مشروعیت بخشیدن به خلافت عباسی، کنترل و محدود کردن امام (علیه السلام)، کاستن از منزلت امام، استفاده از قدرت یاران امام، فرو نشاندن نهضت‌ها و... (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۳۳-۴۳۵) بود. ولی امام (علیه السلام) به‌رغم امتناع شدید از پذیرش آن (عطاردی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۱۳) به دلیل حفظ جان خود و شیعیان و تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها آن را مشروط می‌پذیرد که این پذیرش دارای آثار و برکاتی بود. مهم‌ترین آن‌ها این بود که حضرت توانست در این مدت ۷۰ سال فرهنگ و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را که تا آن زمان به صورت مخفی و تقیه انجام می‌شد به صورت رسمی تبلیغ و به جهانیان برساند و نیز توانست در این فرصت به تربیت و هدایت یاران و شیعیان و نیز به پرورش نخبگان و افراد مورد اعتمادی چون فضل بن شاذان، یونس بن عبد الرحمن، محمد بن اسماعیل بن بزیع، زکریا بن آدم و... بپردازد که هر کدام از آن‌ها معلمانی بودند که به تربیت و هدایت افراد جامعه و ترویج فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) می‌پرداختند تا آن‌جا که امام (علیه السلام) به این عالمان تأکید می‌کردند که در میان بستگان خود بمانند و به هدایت و تربیت آن‌ها بپردازند حتی اگر بستگان آن‌ها از سفها باشند. از زکریا بن آدم روایت شده: «به امام رضا (علیه السلام) گفتم: من می‌خواهم فامیلم را رها کنم؛ زیرا بین آن‌ها افراد سفیه زیاد شده است. حضرت فرمود: این کار را نکن؛ زیرا به وسیله تو بلا از آن‌ها دفع می‌شود همان‌گونه که به خاطر ابی الحسن الکاظم (علیه السلام) بلا

از مردم بغداد دفع می‌شود» (کشی، ۱۳۸۲: ۴۹۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۹۶؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۳۵).

۲-۴. سفر به مراکز علمی

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام رضا (علیه السلام) سفر به شهرهای مختلف و مراکز علمی وقت از جمله بصره، کوفه، مرو، نیشابور و شهرهای مختلف ایران در طول سفر به مرو بود. به نظر می‌رسد سفرهای علمی امام (علیه السلام) از دو جهت در تربیت اخلاقی افراد تأثیرگذار بود؛ نخست اینکه شهرهای بصره، کوفه، بغداد مرکز اندیشه‌های انحرافی آن عصر بود با مناظره‌ها، طرح مباحث علمی و بروز کرامات در نگرش صحیح مسلمانان و تربیت اخلاقی آنان تأثیر گذاشت. دیگر اینکه حوادث و معجزاتی که در مسیر راه از مدینه تا خراسان و در خود خراسان از آن حضرت دیده شد، پایگاه مردمی آن حضرت را رفیع و موقعیت خاندان رسالت را در نظر مردم، بسیار بالا می‌برد و بر اخلاق و رفتار مردم بیشتر تأثیر می‌گذاشت.

۳-۴. مناظره‌ها

یکی از روش‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام)، مناظره یا بحث آزاد است. با بررسی زندگانی علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌توان یافت که بیشتر مناظره‌های آن حضرت در دوران مأمون عباسی توسط وی صورت گرفته است. از ویژگی‌های مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)، استفاده از اصول عقلانی و منطقی مبتنی بر اخلاق بوده است. بر اساس همین ویژگی بود که حضرت شخصیت طرف مقابل را گرمی داشته و از هرگونه رفتار و گفتار توهین آمیزی که موجب بی‌احترامی و کوچک شمردن شخصیت وی گردد، اجتناب می‌ورزید تا بدین وسیله بتواند توجه طرف مقابل را به خود جلب و رفتار او را اصلاح کند. چنین رفتاری آنچنان تأثیرگذار بود که آنان را وادار می‌کرد که قبله افتاده و اسلام بیاورند یا از عقاید خود توبه کنند. چنانکه راوی می‌گوید علی بن محمد بن جهم در پایان مناظره با حضرت رضا (علیه السلام) می‌گوید: «یا بن رسول الله! من توبه می‌کنم به خدای عزوجل که بعد از این

در باره انبیای او سخن نگویم مگر به آنچه توگفتی» (ابن بابویه، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۹۶) یا رأس الجالوت، نیز خطاب به حضرت گفت: «به خدا قسم ای پسر محمد، اگر ریاستی که بر تمام یهود پیدا کرده ام مانع نمی‌شد، دستور تو را پیروی می‌کردم. به خدایی که تورات را بر موسی و زبور را بر داود نازل کرده، کسی را ندیده ام تورات و انجیل را بهتر از تو تلاوت و بهتر و شیرین تر از تو تفسیر کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۴۹؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲۰۴-۲۰۶).

۴-۴. الگودهی

الگوبه معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه و... است (عمید، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در اصطلاح، مدلی است بیرونی که بر اساس تربیت‌پذیری و الگوگیری بر رفتار فرد (متربی) تأثیر می‌گذارد و او را جذب می‌کند (ملکوتی فر، ۱۳۸۸: ۱۳۷). امام رضا (علیه السلام) همانند دیگر پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نمونه بارز اسوه حسنه بود. خصوصیات اخلاقی و زهد و تقوای آن حضرت به گونه‌ای بود که حتی دشمنان خویش را نیز شیفته و مجذوب خود کرده بود. با مردم در نهایت ادب تواضع و مهربانی رفتار می‌کرد و هیچ‌گاه خود را از مردم جدا نمی‌نمود.

ابراهیم بن عباس می‌گوید: «هیچ‌گاه ندیدم که امام رضا (علیه السلام) در سخن بر کسی جفا ورزد و نیز ندیدیم که سخن کسی را پیش از تمام شدن، قطع کند. هرگز نیازمندی را که می‌توانست نیازش را برآورده سازد رد نمی‌کرد. در حضور دیگری پایش را دراز نمی‌کرد. هرگز ندیدیم به کسی از خدمتکاران و غلامان‌شان بدگویی کند. خنده او قهقهه نبود بلکه تبسم بود. چون سفره غذا به میان می‌آمد همه افراد خانه حتی دربان را نیز بر سر سفره خویش می‌نشاند و آنان همراه با امام (علیه السلام) غذا می‌خوردند. شب‌ها کم می‌خوابید و بیشتر بیدار بود و بسیاری از شب‌ها تا صبح بیدار می‌ماند و به عبادت می‌گذراند. بسیار روزه می‌داشت و روزه سه روز در هر ماه را ترک نمی‌کرد... کار خیر و انفاق پنهان بسیار داشت و بیشتر در شب‌های تاریک مخفیانه به فقرا کمک می‌کرد» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۸۴).

محمدبن ابی عیاد می‌گوید: «فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاس (گلیم) بود. لباس او در خانه درشت و خشن بود، اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می‌کرد (لباس‌های خوب و متعارف می‌پوشید) و خود را می‌آراست» (همان، ج ۲: ۱۷۸).

مردی از اهالی بلخ می‌گوید: «در سفر خراسان با امام رضا (علیه السلام) همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و امام (علیه السلام) همه خدمتگزاران حتی سیاهان را بر آن سفره نشاند تا همراه ایشان غذا بخورند. من به امام (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم بهتر است اینان بر سفره‌ای جداگانه بنشینند. امام فرمود: ساکت باش، پروردگار همه یکی است. پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۲۹۸).

یاسر، خادم حضرت می‌گوید: «امام رضا (علیه السلام) به ما فرموده بود اگر بالای سرتان ایستادم (و شما را برای کاری طلبیدم) و شما مشغول غذا خوردن بودید بر نخیزید تا غذایتان تمام شود. به همین دلیل بسیار اتفاق می‌افتاد که امام (علیه السلام) ما را صدا می‌کرد و در پاسخ او می‌گفتند: به غذا خوردن مشغول اند و آن گرامی می‌فرمود: بگذارید غذایشان تمام شود» (همان، ج ۶: ۲۹۸).

۴-۵. تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه به عنوان عوامل و حرک‌های مهم در تربیت فرد و جامعه مورد تأیید عقل بوده و دین اسلام به آن عنایت ویژه دارد و در قرآن کریم آیات بسیاری درباره تشویق و تنبیه وجود دارد که بیانگر اهمیت آن در قرآن است و این روش تربیتی در سیره رضوی همانند دیگر پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در تربیت اخلاقی افراد مورد توجه بوده است.

امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «روزی حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در محضر پدرش امام صادق (علیه السلام) سخنی فرمودند که موجب شگفتی، سُرو و شادی پدر شد. امام صادق (علیه السلام) در مقام تشویق فرزند خود به او فرمودند: «يَا بُنَيَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ خَلْفًا مِنَ الْآبَاءِ وَ سُرُورًا مِنَ الْأَبْنَاءِ وَ عَوْضًا عَنِ الْأَصْدِقَاءِ»؛ ای فرزندم! سپاس خدای را که تو را جانشین و

خلف پدران و مایه سرور و بهجت فرزندان و جانشین دوستان قرار داد (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲۷). یعنی فرزندم، تو با این شایستگی و لیاقتی که از خود نشان می دهی، هم بهترین خلف و جانشین پدر هستی و هم بهترین فرزند و مایه روشنی چشم پدر و هم بهترین یار و مونس پدر و به جای دوستان او هستی. در حقیقت امام رضا (علیه السلام) با بیان این حدیث می خواهند تشویق کلامی امام صادق (علیه السلام) را مورد توجه قرار دهند که بلافاصله بعد از کلام فرزندشان مطرح می شود تا برای ما الگویی باشد و در تشویق کلامی فرزندانمان مورد اجرا قرار دهیم.

نقل شده است جمعی از شیعیان، در آن هنگام که امام رضا (علیه السلام) در خراسان بود، از شهری به خراسان رفته تا به محضر امام (علیه السلام) برسند، این گروه در عین آنکه شیعه بودند به گناهانی آلوده بودند، آن ها یک ماه در خراسان ماندند و هر روز دو بار به در خانه امام رضا (علیه السلام) می آمدند ولی دربان اجازه ورود به آن ها نمی داد، سرانجام آن ها توسط دربان به امام رضا (علیه السلام) پیام دادند: «ما از راه دور آمده ایم اگر شما را ملاقات نکنیم، روسیاه خواهیم شد و هنگام مراجعت به وطن، در نزد مردم، شرمنده و سر افکنده می گردیم، به ما اجازه ملاقات بده...».

دربان پیام آن ها را به امام رضا (علیه السلام) رسانید، امام اجازه ورود به آن ها داد، آن ها گله کردند، حضرت به آن ها فرمود: «اینکه اجازه ندادم، از این رو بود که شما ادعا می کنید شیعه حضرت علی (علیه السلام) هستید، ولی دروغ می گوید، شیعه علی (علیه السلام)، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و سلمان، ابوذر، مقداد و عمار و... بودند، شما مدعی هستید که شیعه امیر مؤمنان (علیه السلام) هستید ولی در بیشتر اعمال با آن حضرت مخالفت می کنید...» آن ها همانند استغفار و توبه حقیقی کردند، امام (علیه السلام) آن ها با آغوشی باز پذیرایی کرد و با آن ها گرم گرفت... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۱۵۸-۱۵۹).

۴-۶. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از روش های امام (علیه السلام) امر به معروف بود که پیوسته آن را به اصحاب سفارش می کرد

و می فرمود: «إِذَا امْتَنَى تَوَاكَلْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذِنُوا بَوَاقِعَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» (عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۳۸۲: ۲)؛ هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، باید در انتظار عذاب پروردگار باشند.

امام (علیه السلام) نه تنها مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت می کرد، بلکه خود نیز به اجرای این فریضه الهی می پرداخت تا فساد و فحشای دشمن را خنثی کند. در کتاب ارشاد ذکر شده است که علی بن موسی (علیه السلام) در خلوت، مأمون را بسیار نصیحت می کرد و از خداوند عزوجل بیم می داد و کارهای خلافی را که انجام می داد، تقبیح می کرد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۹۷).

نقش امر به معروف و نهی از منکر در زندگی آن حضرت چنان بارز بود که شیخ صدوق و شیخ مفید آن را یکی از مهم ترین علل شهادت حضرت رضا (علیه السلام) بیان می کنند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۹).

۴-۷. موعظه

موعظه یکی از روش های تربیتی در سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام) است که در موارد متعددی به یاران و اصحاب خویش تذکر می داده است. شیخ مفید آورده است که: «امام (علیه السلام) در مجالس خصوصی با مأمون، او را نصیحت می کرد و از عذاب الهی بیم می داد و به خاطر کارهای خلافی که مرتکب می شد به نکوهش او می پرداخت. مأمون به ظاهر اندرزهای امام را می پذیرفت؛ ولی در واقع از این برخوردهای امام سخت ناراحت می شد» (عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۷۴).

۴-۸. مراقبت و نظارت

مراقبت از متریبان و نظارت بر آن ها از روش های مطلوب در تربیت اخلاقی است. امام رضا (علیه السلام) همواره در تربیت پیروان و راهنمایی ایشان تنها به گفتار اکتفا نمی کردند و

در باره اعمال آنان توجه و مراقبت ویژه‌ای مبذول می‌داشتند. یاسر خادم گفته است: «روزی غلامان میوه‌ای می‌خوردند، آن‌ها میوه را به تمامی نخورده، باقی را به انداختند، ابوالحسن الرضا (علیه السلام) به آنان فرمود: سبحان الله، اگر شما از آن بی‌نیازید، هستند کسانی که بدان نیازمندند، به آنان بخورانید» (عطاردی، ۱۳۹۷ ق: ۷۴۷).

سلیمان جعفری از یاران امام رضا (علیه السلام) می‌گوید: برای برخی کارها خدمت امام بودم، چون کارم انجام شد، خواستم مرخص شوم، امام فرمود: امشب نزد ما بمان. همراه امام (علیه السلام) به خانه اورفتم، هنگام غروب بود، غلامان حضرت مشغول بنایی بودند، امام (علیه السلام) در میان آن‌ها غریبه‌ای دید، پرسید: این کیست؟ عرض کردند: به ما کمک می‌کند و به او چیزی خواهیم داد. فرمود: مزدش را تعیین کرده اید؟ گفتند: نه! هر چه بدهیم می‌پذیرد. امام بر آشفت و خشمگین شد. من به حضرت عرض کردم: فدایتان شوم خود را ناراحت نکنید. فرمود: من بارها به این‌ها گفته‌ام که هیچ کس را برای کاری نیاورید، مگر آنکه قبلاً مزدش را تعیین کنید و قرار داد ببندید. کسی که بدون قرار داد و تعیین مزد کاری انجام دهد، اگر سه برابر مزدش را بدهی باز گمان می‌کند مزدش را کم داده‌ای، ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدار معین شده بپردازی، از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده‌ای و در این صورت اگر بیش از مقدار تعیین شده چیزی به او بدهی هر چند کم و ناچیز باشد، می‌فهمد که بیشتر پرداخته‌ای و سپاسگزار خواهد بود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۸۸).

۹-۴. پرهیز از معاشرت متریبان با صاحبان رذایل

با توجه به تأثیرگذاری دوست بر خلق و خوی و رفتار انسان، در سیره تربیتی امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به دوستی با نیکان و دوری از دوستی با بدان و کسانی که انحراف اخلاقی دارند تأکید فراوان شده است. درباره پرهیز از همنشینی با منحرفان می‌فرماید: «مَجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ السُّوءَ (سوء) الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸۱)؛ همنشینی با مردم بد و فاسد موجب تهمت و بدگمانی شخص به مردم آبرومند

است. در عمل و سیره نیز همواره سعی می‌کرد که اصحاب و یارانش را از همنشین بد بر حذر دارد چنانکه روزی به یکی از شاگردانش به نام داود بن قاسم، معروف به ابوهاشم جعفری فرمود: چرا تو را می‌بینم که با عبد الرحمن بن یعقوب همنشینی می‌کنی؟ ابوهاشم گفت: عبد الرحمن دایی من است. امام (علیه السلام) فرمود: او درباره ذات پاک خدا، مطالبی می‌گوید که ساحت پاک خدا از آن منزّه است فَمَا جَلَسَتْ مَعَهُ وَ تَرَكَتْنَا وَ أَمَا جَلَسْتَ مَعَنَا وَ تَرَكَتَهُ؟ یا او همنشین باش و ما را ترک کن و یا ما همنشین باش و از او دوری کن. ابوهاشم گفت: او هر عقیده‌ای دارد و هر چه می‌گوید، بر من چه آسیبی دارد، با اینکه من بر عقیده حق خود استوار هستم و از عقیده او دوری می‌کنم. امام رضا (علیه السلام) فرمود: آیا نمی‌ترسی که بلایی به او برسد و تو نیز به بلای او بسوزی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۳۷۵).

نتیجه‌گیری

۱. سبک و سیره امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه را می‌توان به دوروش؛ شناختی و رفتاری تقسیم کرد. منظور از روش‌های شناختی امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه، آگاهی بخشی به متریان است تا بتوانند با آگاهی بیشتر رذایل اخلاقی را ترک و به فضایل اخلاقی گرایش پیدا کنند. منظور از روش‌های رفتاری، روش‌هایی است که امام (علیه السلام) می‌خواهد ضمن تغییر اصلاح و رفتارهای نامناسب رفتارهای مطلوب را در متربی ایجاد و تثبیت کند.

۲. آموزش باورها و جهان‌بینی اسلامی، رویارویی با فرقه‌های انحرافی و نهضت ترجمه، آشنا کردن متریان با آموزه‌های اخلاقی و ایجاد فضای مساعد تربیتی در جامعه از مهم‌ترین روش‌های شناختی و آگاهی بخشی امام رضا (علیه السلام) در تربیت اخلاقی افراد جامعه است.

۳. امام رضا (علیه السلام) هم در تربیت اخلاقی افراد جامعه به آموزش بنیان‌های اخلاق به ویژه،

توحید، یکتا پرستی، معاد باوری و اعتقاد به رسالت و امامت اهتمام داشتند.

۴. امام رضا علیه السلام برای هدایت مردم و تربیت اخلاقی افراد جامعه با فرقه‌های انحرافی چون واقفیه، مصوفه، مجبره، معتزله، خوارج و... به روش‌های مناظره، مکتوبات حدیثی، پرورش شاگردان و نخبگان و... مبارزه کرد.

۵. امام رضا علیه السلام توانست با تغییر رویکرد از نقلی به عقلی و کاربرد مبادی عقلی در احادیث و مناظره‌ها، با معتزله و نهضت ترجمه مقابله نماید تا راه را برای اصلاح و تربیت افراد جامعه هموار سازد.

۶. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در تربیت اخلاقی افراد جامعه اهتمام به بیان آموزه‌های اخلاقی به متریبان داشت که تلاش می‌کرد گاهی در قالب بیان تعریف، آثار، پیامدهای مفاهیم اخلاقی و گاهی در قالب بیان داستان‌های اخلاقی، متریبان را با آموزه‌های اخلاقی آشنا کند.

۷. امام رضا علیه السلام توانست با ایجاد فضای تربیتی مساعد در جامعه به ویژه فرهنگ نماز، راه را برای تربیت اخلاقی افراد جامعه هموار سازد.

۸. پذیرش ولایت عهدی، سفر به مراکز علمی، مناظره‌ها، موعظه، تشویق و تنبیه، امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از فرصت‌ها، مراقبت و نظارت و پرهیز از معاشرت متریبان با صاحبان رذایل اخلاقی از مهم‌ترین روش‌های رفتاری امام رضا علیه السلام در تربیت اخلاقی افراد جامعه است.

۹. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام توانست در دوران ولایت عهدی فرصت‌ها را مغتنم شمارد و مهم‌ترین کارهای تبلیغی و تربیتی را در این دوران انجام دهد. از جمله تبلیغ فرهنگ، معارف و فضایل اخلاقی اهل بیت علیهم السلام و اعلام آن به جهانیان پس از ۷۰ سال و پرورش شاگردان و نخبگان ناموری که هر کدام از آن‌ها معلّم اخلاق و تربیت در مناطق مختلف کشور پهناور اسلامی بودند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). عیون اخبار الرضا. چاپ دوم. تهران: کتابفروشی طوس.
- (۱۳۸۵). من لایحضره الفقیه. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۳۸۸). التوحید. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: علویون.
- (۱۴۰۳ق). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۳۷۶). الامالی. ترجمه کمره ای. تهران: کتابچی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (بی تا). مناقب آل ابی طالب. تصحیح: سید هاشم رسولی. قم: مطبعه علمیه.
- برقی، ابی جعفر احمد بن ابی عبدالله. (۱۳۴۲). رجال برقی. تهران: دانشگاه تهران.
- بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین. (۱۳۹۲). «اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (علیه السلام)». پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی. س ۲۱. ش ۱۸. صص: ۵۲-۶۷.
- پورامینی، محمد باقر. (۱۳۹۳). سبک زندگی، منشور زندگی از منظر امام رضا (علیه السلام). مشهد: به نشر.
- الجرجانی، خلیل. (۱۳۶۷). فرهنگ لاروس. مترجم: سید حمید طیبیان. چاپ دوم. تهران: چاپخانه سپهر.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۸). حیات فکری سیاسی امامان شیعه. چاپ یازدهم. انتشارات: انصاریان.
- حسین زاده، حسین. (۱۳۹۷). نگرشی بر سبک زندگی از منظر امام رضا (علیه السلام). گلستان: انتشارات طاهری.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ نشر کتاب.
- زین آبادی، حسن رضا؛ عدلی، مریم. (۱۳۹۶). «اصول و روش های تربیتی با نگرشی به اراده و اختیار انسان در سیره رضوی». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۱۷. صص: ۵۹-۹۶.
- سبحانی یامچی، محمد. (۱۳۹۸). «روش های تربیتی فرهنگ سازی اقامه نماز در سیره رضوی». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۲۸. صص: ۱۵۷-۱۸۶.
- سلیمان گلی، آسیه. (۱۳۹۷). سیره اخلاقی و سیاسی امام رضا (علیه السلام) در سبک زندگی اسلامی. گلستان: انتشارات نوروزی.
- سید قطب، سید قطب بن ابراهیم شاذلی. (بی تا). فی ظلال القرآن. چاپ هفدهم. بیروت و قاهره: دارالشرق.
- شریفی، عنایت الله؛ لطفی قادیکلانی، مهر علی. (۱۳۹۶). «سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام) در تربیت کودکان». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۲۳. صص: ۱۸۱-۲۱۱.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن. (۱۳۴۸). اختیار معرفة الرجال. تصحیح: حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- عصاره تژاد دزفولی، سینا؛ فرخی، میثم. (۱۳۹۹). «دلالت های بنیادین سیاست گذاری تربیتی اسلامی، برگرفته از قول و سیره رضوی». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۲۹. صص: ۱۹۳-۲۱۶.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله. (۱۳۹۷ق). اخبار و آثار امام رضا (علیه السلام). تهران: کتابخانه صدر.
- (۱۴۱۳ق). مستند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی (علیه السلام). لبنان: دار الصفوه.
- عمید، حسن. (۱۳۹۰). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.

- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۸ق). الخرایج و الجرایح. قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- کشی، محمدبن عمر. (۱۳۸۲). رجال کشی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۹۲). فرهنگ نامه اصول فقه. چاپ چهارم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۹۰). فرهنگ معین. چاپ دوازدهم. تهران: سرایش.
- مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد. قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام.
- _____ (۱۴۱۳ق). الاختصاص. تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری. قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
- ملکوتی فر، ولی‌الله. (۱۳۸۸). تربیت در نهج البلاغه. سبزوار: امیدمهر.
- میرزا محمدی، محمدحسین؛ جهانی جوانمردی، فاطمه؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). «بازشناسی آموزه‌های تربیتی امام رضا علیه السلام و کاربست آن‌ها در عصر حاضر». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۲۰. صص: ۶۹-۱۰۴.
- نجفی، محمد؛ قربانی، منصوره؛ نصرتی هشی، کمال؛ شاهی، محمد. (۱۳۹۳). «روش‌های تربیت اخلاقی درسیره رضوی». مجله پژوهش‌های اخلاقی. ش ۱۷. صص: ۱۱۳-۱۲۷.
- نویختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۵ق). فرق الشیعة. نجف: مطبعة الحیدریة.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی